

اعتبارسنجی کارایی فیلم و عکس در اثبات رابطه نامشروع (نقد رای شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور)

(نویسنده مسئول) دکتر جواد سلطانی فرد

استادیار فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری

Email: j.soltani.f@gmail.com

سید امید موسوی

دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری

چکیده

امروزه تکنولوژی در شکل‌های مختلف خود به متن زندگی انسان‌ها وارد شده است. نقش داده‌های الکترونیکی و به‌خصوص فیلم و عکس به‌عنوان یکی از پرکاربردترین اقسام تکنولوژی، در جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌خوبی دیده می‌شود. یکی از این جنبه‌ها، اعتبارسنجی کارایی فیلم و عکس به‌عنوان یکی از ادله مستقل اثبات دعاوی در دستگاه قضایی است که نیازمند مطالعه و پاسخگویی می‌باشد. در پژوهش حاضر تبیین خواهد شد که استناد به اطلاعاتی که برای دادرس از طریق مشاهده فیلم و عکس به‌دست می‌آید، منوط به اثبات اعتبار علم شخصی دادرس می‌باشد، درحالی‌که چنین اعتباری قابل اثبات نیست. برپرض پذیرش اعتبار علم دادرس، باتوجه به موضوعیت ادله در اثبات روابط نامشروع، این دلیل ادعایی در چنین جرایمی به‌صورت خاص، کارایی نخواهد داشت. با صرف‌نظر از موضوعیت ادله نیز، فیلم و عکس قابلیت استناد نخواهد داشت، زیرا آن علمی که از مبادی حسی به‌دست می‌آید، معتبر بوده و اطلاعات حاصل از مشاهده فیلم و عکس، علمی حدسی محسوب شده که معتبر نمی‌باشد. باتوجه به مسیر مطالعاتی پژوهش حاضر، رای شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور که در آن به فیلم و عکس استناد شده است، مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت.

کلمات کلیدی: علم دادرس، ادله اثبات دعوا، موضوعیت ادله، رابطه نامشروع،

مقدمه

همواره در جریان طرح یک پرونده در دادگاه و رسیدگی دادرس به محتویات آن، استناد به ادله قطعی اثبات دعاوی توسط طرف‌های اختلاف و تاثیر آن مستندات در فصل خصومت و صدور رای دادگاه، به‌عنوان امری متداول و راه‌گشا در مسیر دادرسی دیده می‌شود. اقرار متهم، شهادت شهود و سوگند طرف‌های دعا از این دسته دلایل قطعی در اثبات دعاوی بوده که به‌عنوان مستندات اصیل شناخته می‌شوند. امروزه با گسترش چشم‌گیر علوم و فناوری‌های الکترونیکی و فراگیری هرچه بیشتر وسایل ارتباط جمعی، شاهد ورود تکنولوژی در شکل‌های مختلف خود در متن زندگی روزمره افراد جامعه هستیم. وابستگی انسان عصر حاضر به تکنولوژی و میزان استفاده از آن در شبانه‌روز، به اندازه‌ای است که آثار حضور فناوری‌های مختلف را در جنبه‌های گوناگون زندگی شخصی و اجتماعی انسان‌ها می‌توان مشاهده کرد.

قابلیت استناد به داده‌های الکترونیکی به‌عنوان یک دلیل مستقل در نظام ادله اثبات دعاوی و صدور رای مبتنی بر آن‌ها، یکی از جنبه‌های تکنولوژی است که نیازمند مطالعه و اعتبارسنجی می‌باشد. با توجه به نفوذ تکنولوژی در امور مختلف شخصی و اجتماعی انسان‌ها و حضور حداکثری آن در طول شبانه‌روز و به شکل‌های مختلف، طبیعی است که لحظات گوناگونی از متن زندگی افراد در قالب فیلم و یا تصویر، به‌عنوان یکی از متداول‌ترین شیوه‌های استفاده از تکنولوژی، ثبت و ضبط شود. محتوای ضبط‌شده در بسیاری از موارد، صرفاً جنبه خانوادگی یا دوستانه داشته و برای یادآوری خاطرات صاحب تصاویر، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مقابل، مواردی وجود دارد که محتوای فیلم و عکس، دربردارنده ارتباط جنسی دو شخص بوده و فردی که به این داده‌ها دسترسی دارد، براساس محتوای آن‌ها، مدعی وجود رابطه نامشروع میان اشخاص داخل در فیلم و عکس می‌شود. آنچه درمورد این نوع خاص از محتواهای ضبطی دارای اهمیت است، سنجش اعتبار و کارایی این داده‌ها در اثبات جرایم منافی با عفت و جریان رسیدگی قضایی است. چالش این مسئله در بررسی وضعیت ادله اثبات جرایم منافی با عفت است که آیا آن ادله، موضوعیت داشته و یا می‌توان به دلایل دیگری غیر از ادله قانونی نیز استناد کرد. قانونگذار به پیروی از شیوه شریعت اسلامی، صرفاً دلایل معینی همراه با ویژگی‌های خاصی را برای اثبات ارتباط نامشروع در دادگاه، استنادپذیر دانسته است و علمی که از مشاهده فیلم و عکس برای مقام قضایی حاصل می‌شود، در ذیل هیچ‌کدام از عناوین ادله قانونی اثبات جرایم منافی با عفت قرار نمی‌گیرد و بنابراین قابلیت استنادی نخواهد داشت.

با مطالعه پیشینه موضوع، مشخص می‌شود که تحقیقاتی در موضوعات پیرامونی پژوهش حاضر همچون «علم قاضی به عنوان ادله اثبات دعوی در نظام حقوقی ایران» نوشته یوسف مرادی، «بررسی فقهی - حقوقی تاثیر علم قاضی بر فرایند دادرسی کیفری» نوشته آرش یاغلی و «موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» نوشته صادق بنی‌طرفیان انجام شده است که برخی از آن‌ها صرفاً به مطالعه حجیت علم قاضی در نظام ادله اثبات دعاوی پرداخته و برخی دیگر درصدد بررسی موضوعیت یا طریقت نظام ادله دادرسی ایران بوده‌اند، درحالی‌که بر اساس فحوص انجام شده، تا کنون کتاب یا مقاله‌ای به طور مستقل به بررسی نقش اثبات کنندگی فیلم و عکس در اثبات جرایم منافی با عفت به عنوان یکی از پرچالش‌ترین مسائل قضایی امروز جامعه نپرداخته است. به همین جهت، پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات پیش‌گفته، دارای نوآوری در طرح و بسط موضوع خود و سیر مطالعاتی آن بوده است.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و رجوع به منابع دست اول فقهی و حقوقی، تلاش داشته است که با تحلیل و نقد دیدگاه‌های مختلف به یک نظریه ابتکاری نسبت به موضوع ارائه شده دست یابد.

۱. رای دادگاه بدوی و دیوان عالی کشور

در ابتدا خلاصه‌ای از جریان پرونده در دادگاه بدوی و صدور رای مبنی بر تبرئه شدن متهمین از اتهام به زناى محصنه، بیان خواهد شد و سپس رای دیوان عالی کشور مبنی بر وارد بودن اعتراض شاکی نسبت به رای دادگاه بدوی اشاره خواهد شد.

۱.۱. خلاصه جریان پرونده

آقای ع.م. در مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۱۶، به دادرای شهرستان محل سکونت خود مراجعه داشته و شکایتی را درخصوص ارتباط نامشروع همسر خود، خانم ت.ک. با شخصی به نام ک.ط. که در منزل شخصی خود و در سال ۱۳۸۹ اتفاق افتاده، مطرح کرده است و اظهار داشته که سی‌دی

و عکس‌های آن‌ها را در منزل خود پیدا کرده است و درخواست رسیدگی دارد. بازپرس قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت محاکم کیفری استان صادر نموده است و پرونده با موافقت دادیار به محاکم کیفری ارسال شده و به شعبه ۱۶ دادگاه کیفری استان ارجاع گردیده است. شاکی در مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۱۲، در دادگاه کیفری حاضر شده و مطالب قبلی را مطرح کرده و دادگاه دستور جلب دو متهم را صادر نموده است. پس از جلب متهمین، پرونده به دادگاه اعاده شده و در جلسه دادگاه، آقای ک.ط. اظهار داشته است: «شاید کسی به من گفته است که با این خانم این کار را انجام بدهم، مرا به زور برده‌اند تا با آن خانم عمل زنا را انجام بدهم و شاید چیزی به من خورنده‌اند تا این کار را انجام بدهم» و درخصوص عکس‌های مستهجنی که در سی‌دی پرونده موجود است، بیان داشته است: «عکس خودم است، شاید مرا به زور وادار کرده‌اند و من خودم از خودم عکس نگرفته‌ام و نمی‌دانم که این عکس‌ها را چگونه گرفته‌اند. اگر من عکس گرفته بودم، عکس‌ها در نزد من بود». خانم ت.ک. در مورد عکس‌ها اظهار داشته است که فقط صورت عکس‌ها مربوط به او می‌باشد. درباره او قرار بازداشت موقت صادر و روانه زندان می‌شود. دستور تعیین وقت رسیدگی می‌شود. در مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۲، در جلسه دادگاه کیفری استان خانم ت.ک. اظهار می‌دارد: «اتهام را قبول ندارم. رابطه‌ای با ک.ط. نداشته‌ام». در مورد عکس‌ها نیز می‌گوید: «سر و صورت عکس‌ها متعلق به من است و بدن آن متعلق به من نیست و برای من توطئه ساخته‌اند». دادگاه در چند نوبت به لحاظ عدم حضور متهم دیگر، آقای ک.ط. تمدید جلسه نموده و نهایتاً در مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۸، بار دیگر جلسه دادرسی با حضور خانم ت.ک. و وکلای او و وکیل شاکی و بدون حضور آقای ک.ط. و وکیل او تشکیل شده و به موجب دادنامه شماره ۱۰۰۱۵۵-۹۱/۶/۱۴، در مورد اتهام متهمین به ارتکاب زنا، به لحاظ فقدان دلیل، آن‌ها را تبرئه نموده است. وکیل شاکی به رای صادره اعتراض و درخواست تجدیدنظر می‌کند. پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه ۲۴ ارجاع شده است.

۱. ۲. رای دیوان عالی کشور

در خصوص اعتراض و تجدیدنظرخواهی آقای الف.ب. به وکالت از آقای ع.م. شاکی پرونده، از برائت متهمان از ارتکاب زنا (محصنه نسبت به ت.ک. و غیرمحصنه نسبت ک.ط.) نسبت به دادنامه شماره ۱۰۰۱۵۵-۹۱/۶/۱۴ صادره از دادگاه کیفری استان، با توجه به محتویات پرونده، شکایت شاکی و اظهارات طرفین و این نکته که متهم تعلق عکس‌ها و فیلم موضوع دو عدد سی‌دی پیوست پرونده به خود را تکذیب نکرده است و این که محتویات سی‌دی‌های ارائه شده نشان دهنده مقاربت بوده و عمل زنا را به وضوح نشان می‌دهد و مصداق بارز «کالمیل فی المکحله» می‌باشد، با وارد دانستن اعتراض آقای الف.ب. وکیل شاکی، پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه کیفری استان ارجاع می‌شود.

۳. سنجش اعتبار علم دادرسی

در این قسمت به اعتبارسنجی علم دادرسی به صورت کلی و فراگیر نسبت به حیثیت عمومی و خصوصی جرایم پرداخته خواهد شد و به دیدگاه‌های مختلفی که در این زمینه وجود دارد، اشاره می‌شود. در ادامه، دیدگاه مورد پذیرش در این پژوهش تبیین خواهد شد. اطلاعاتی که از مشاهده فیلم و عکس به عنوان داده‌های الکترونیکی برای دادرسی به دست می‌آید، در صورتی کارایی خواهد داشت که اعتبار علم دادرسی به عنوان یکی از مستندات قضایی، قابل اثبات باشد. باید توجه داشت که مقصود از علم دادرسی، اطلاعات شخصی او در یک مسئله می‌باشد. آیا دادرسی می‌تواند برای احراز واقع به آگاهی شخصی خویش در امور ماهوی استناد کند یا محدود به دلایل دو طرف است.^۲

۳. ۱. دیدگاه‌های سنجش اعتبار علم دادرسی

با مطالعه و بررسی وضعیت علم دادرسی، مشخص می‌شود که در این زمینه چهار دیدگاه متفاوت وجود دارد.

۳. ۱. ۱. اعتبار کامل علم دادرسی

اعتبار کامل علم دادرسی و قابلیت استناد به آن در تمامی دعاوی، دیدگاه نخست است که به آن اشاره می‌شود. سید مرتضی بیان می‌دارد که دادرسی، بدون هیچ استثنایی صلاحیت قضاوت در تمامی انواع حقوق را داشته و این صلاحیت فراگیر، مورد اتفاق فقهای امامیه است.^۳ شیخ طوسی اشاره می‌کند که دادرسی در تمامی حقوق مالی و غیرمالی، می‌تواند مستند به علم شخصی خود به صدور حکم بپردازد و تفاوتی

۱. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۲۶۳۴.

۲. کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات، ۵/۱.

۳. علم‌الهدی، الانتصار، ۴۸۶.

نمی‌کند که حصول علم برای او، پیش از شروع قضاوت به دست آمده باشد یا در اثنا رسیدگی، به موضوع علم پیدا کرده باشد.^۴ این فقیه در کتاب دیگر خود، صلاحیت قضاوت دادرس، مستند به علم شخصی را دیدگاهی موافق تر با ادله می‌داند.^۵ ابن زهره اشاره می‌کند که دادرس در تمامی اقسام دعاوی، امکان صدور حکم مبتنی بر علم خود را دارد و زمان حصول علم، در صحت این مسئله تفاوتی ایجاد نمی‌کند.^۶ ابن ادریس معتقد است که دیدگاه مورد پذیرش در میان فقهای امامیه، صلاحیت دادرس در قضاوت براساس علم شخصی است، زیرا عدم توانایی او در صدور حکم، به تعطیلی احکام الهی و خروج دادرس از عدالت منجر می‌شود.^۷ محقق حلی می‌گوید: «دادرس صلاحیت قضاوت در حقوق مربوط به مردم مبتنی بر علم خود را دارد. در حقوق الهی نیز، دیدگاه صحیح تر بر امکان قضاوت می‌باشد. دادرس در هیچ کدام از انواع دعاوی، نیازی به شهادت شهود در کنار علم شخصی خود برای صدور حکم ندارد».^۸ علامه حلی در یکی از آثار خود بیان می‌کند که حیطة صلاحیت دادرس در صدور حکم براساس علم شخصی، کامل بوده و شامل تمامی دعاوی می‌شود.^۹ اما در کتاب دیگر خود، توانایی دادرس در صدور حکم نسبت به حقوق الهی را منتسب به دیدگاه صحیح تر می‌داند.^{۱۰} شهید ثانی اشاره می‌کند که دادرس به صورت مطلق و در تمامی اقسام دعاوی، صلاحیت رسیدگی براساس علم خود را دارد. او معتقد است که علم شخصی دادرس نسبت به شهادت دو شاهد که نهایتاً برای قاضی ایجاد گمان به موضوع می‌کند، دلالت قوی تری در اثبات حقیقت دارد.^{۱۱} یکی از فقهای می‌گوید: «هنگامی که دو طرف دعوا به دادگاه رجوع کنند و یک طرف درخواستی داشته و طرف مقابل آن را انکار کند، اگر دادرس به صحت درخواست مدعی علم داشته باشد، می‌تواند مبتنی بر علم خود حکم صادر کند».^{۱۲} فقیه دیگری بیان می‌کند که دادرس در دعاوی مرتبط به حقوق مردم، قطعاً می‌تواند براساس علم خود قضاوت کند و نسبت به حقوق الهی، دیدگاه بهتر بر امکان قضاوت است.^{۱۳} شیخ انصاری می‌گوید: «دادرس اجازه فراگیر و کاملی در قضاوت براساس علم خود دارد. دلیل این جواز آن است که علم شخصی دادرس، برای او جایگاه حقیقت و عدالت واقعی را دارد و اگر برخلاف آن حکم صادر کند، از حیطة صدور حکم حقیقی خارج شده است و اگر هیچ قضاوتی نداشته باشد، از وظیفه رسیدگی خود دست کشیده و سبب متوقف شدن حقوق شده است».^{۱۴} فقیه دیگری بیان می‌کند که دادرس، برطبق دیدگاهی که مشهور فقهای امامیه به آن معتقدند و حتی ادعای اجماع در مورد آن شده است، به صورت مطلق و بی قید و شرط، توانایی صدور حکم براساس علم شخصی خود را دارد.^{۱۵} امام خمینی صلاحیت کاملی را برای دادرس در قضاوت براساس علم خود در نظر گرفته و در تمامی صورت های ممکن در رسیدگی قضایی، حتی زمانی که شاهد، اقرار یا سوگندی در پرونده وجود ندارد نیز، علم دادرس را کارآمد می‌داند. عدم جواز صدور حکم مبتنی بر شهادت شهود، در صورتی که مخالف علم دادرس باشد، از نکته های دیگر این مسئله است.^{۱۶} محقق خویی می‌گوید: «دادرس همان گونه که می‌تواند براساس اقرار، شهادت و یا سوگند میان طرف های دعوا قضاوت کند، بدون هیچ تفاوتی توانایی صدور حکم مبتنی بر علم خود را نیز دارد».^{۱۷} فقیه دیگری اشاره می‌کند، از آن جایی که احکام مختلف در خطابات شرعی به موضوعات واقعی تعلق گرفته است، اگر نسبت به تحقق موضوعی برای دادرس

۴. شیخ طوسی، الخلاف، ۲۴۲/۶.

۵. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ۱۶۶/۸.

۶. ابن زهره، غنیة النزوع، ۴۳۶/۱.

۷. ابن ادریس، موسوعه ابن ادریس الحلی، ۲۵۲/۱۰.

۸. محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۶۷/۴.

۹. علامه حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ۴۰۵/۸.

۱۰. علامه حلی، قواعد الاحکام، ۴۳۰/۳.

۱۱. عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۳۸۵/۱۳.

۱۲. ابن براج، المذهب، ۵۸۶/۲.

۱۳. ابن سعید، الجامع للشرائع، ۵۲۹.

۱۴. انصاری، القضاء و الشهادت، ۹۴.

۱۵. عراقی، کتاب القضاء، ۱۲۵.

۱۶. موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۴۳۷/۲.

۱۷. خویی، موسوعه الامام الخویی، ۱۵/۴۱.

علم حاصل شود، بر او لازم خواهد بود که آثار مترتب بر موضوع معلوم را مورد حکم قرار دهد.^{۱۸} محقق جعفری لنگرودی می‌گوید: «در حقوق اسلام، تحصیل دلیل از طرف قاضی ممنوع نیست و او می‌تواند از قرائن موجود در هر دعوی استفاده کند و علمی که از این طریق به‌دست می‌آورد، حجت است و باید بر طبق آن حکم دهد و احقاق کند».^{۱۹} این حقوقدان در جای دیگری بیان می‌کند: «در حقوق اسلام، علم قاضی از هر رهگذری که به‌دست آید، حجت است. فرق نمی‌کند که موضوع رسیدگی از حقوق عمومی باشد یا از حقوق خصوصی».^{۲۰} همچنین بیان شده است که در میان ادله اثبات دعوا، ارزش اثباتی علم دادرسی بیش از سایر ادله است. اگر علم دادس بر خلاف مفاد دلیلی باشد، آن دلیل از اعتبار ساقط می‌شود و دادرسی باید براساس علم شخصی خود حکم کند.^{۲۱}

۳. ۱. ۲. بی‌اعتباری کامل علم دادرسی

این دیدگاه در کلام برخی فقها به این جنید نسبت داده شده و بیان می‌شود که این فقیه، علم دادرسی را به‌صورت کامل و در تمامی دعاوی غیرمعتبر می‌داند.^{۲۲} صاحب‌جواهر به اشکالاتی که توسط فقهای بعد از ابن جنید نسبت به دیدگاه او وارد شده است، اشاره داشته و بیان می‌کند که انصاف در این است که دیدگاه ابن جنید، نظریه ضعیفی نمی‌باشد.^{۲۳} فقیه دیگری می‌گوید: «شکی در عدم اعتبار قضاوت برای دادرسی، مبتنی بر علم شخصی وجود ندارد».^{۲۴} همچنین بیان شده است که دلیل قابل‌پذیرشی برای اعتبار صدور حکم براساس علم دادرسی وجود ندارد.^{۲۵} یکی از فقهای معاصر معتقد است، روایاتی که ادله اثبات دعاوی را در قالب عناوین معین بیان می‌کنند، به اقتضای مفهوم حصر، اعتبار علم شخصی دادرسی را نفی می‌کنند.^{۲۶} این فقیه در کتاب دیگر خود بیان می‌کند که دادرسی مجاز نخواهد بود که برای فصل خصومت به علم شخصی خود استناد کند.^{۲۷} یکی از حقوقدانان می‌گوید: «رای دادگاه باید به استناد ادله قانونی موجود در پرونده، با لحاظ توان اثباتی آن‌ها صادر شود و دادرسی نمی‌تواند به علمی که خارج از پرونده دست‌یافته است، در قضاوت خود عمل کند».^{۲۸}

۳. ۱. ۳. اعتبار علم دادرسی در حیثیت خصوصی جرایم

دیدگاه سوم، اعتبار علم دادرسی را صرفاً در حیطه حیثیت خصوصی و امور مرتبط با اشخاص دانسته و در حقوق الهی مانند جرایم حدی که حیثیت عمومی دارند، علم شخصی دادرسی را معتبر نمی‌داند. فقیهی بیان می‌کند که دادرسی فقط در حقوق الناس، صلاحیت رسیدگی براساس علم شخصی خود را دارد.^{۲۹} در جای دیگری اشاره شده است که دادرسی در دعاوی مربوط به عقود و ایقاعات که مرتبط با حقوق مردم است، اجازه رسیدگی براساس علم خود را دارد، اما در حدود شرعی که مرتبط با حقوق الهی است، چنین صلاحیتی نخواهد داشت.^{۳۰} فقیهی اعتبار علم دادرسی در حقوق مرتبط با مردم را دیدگاهی بهتر می‌داند.^{۳۱}

۳. ۱. ۴. اعتبار علم دادرسی در حیثیت عمومی جرایم

۱۸. آشتیانی، کتاب القضاء، ۱/۱۶۷.

۱۹. جعفری لنگرودی، دائرة المعارف علوم اسلامی قضایی، ۱/۴۴۶.

۲۰. جعفری لنگرودی، علم آزاد در گردش ادله اثبات دعوا در حقوق اسلام، ۶۹.

۲۱. فتحی و دیگران، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، ۶۲.

۲۲. علم‌الهدی، الانتصار، ۴۸۸.

۲۳. نجفی، جواهر الکلام، ۸۹/۴۰.

۲۴. طباطبایی حکیم، مسائل معاصره فی فقه القضاء، ۳۲.

۲۵. خوانساری، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ۱۵/۶.

۲۶. هاشمی شاهرودی، بایسته‌های فقه جزا، ۵۶.

۲۷. هاشمی شاهرودی، قرائات فقهیه معاصره، ۳۱۹/۱.

۲۸. شمس، ادله اثبات دعوا، ۶۱.

۲۹. ابن حمزه، الوسيله الی نیل الفضیله، ۲۱۸.

۳۰. ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، ۴۳۲.

۳۱. الآبی، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، ۴۹۶/۲.

دیدگاه چهارم، علم دادرس را صرفاً در حیثیت عمومی جرایم و حقوق الهی معتبر می‌داند. شهید ثانی بیان می‌کند که ابن‌جنید به این دیدگاه معتقد بوده و صدور حکم، توسط قاضی مستند به علم شخصی را صرفاً در حقوق الهی مجاز دانسته و نسبت به حقوق الناس، فقط اقرار و شهادت شهود را معتبر می‌داند.^{۳۲}

۳.۲. دیدگاه مورد پذیرش

دادرس در هر پرونده‌ای به دنبال کشف حقیقت است و قضاوت بدون وجود آگاهی و دستیابی به حقیقت، جایز نخواهد بود.^{۳۳} آنچه مورد نظر است، نوع حقیقتی است که دادرس موظف به کشف آن است. به نظر می‌رسد که وظیفه قضایی دادرس، اثبات حقیقت قضایی پرونده براساس ادله ارائه شده در دادگاه می‌باشد و صلاحیتی در نشان دادن واقعیت خارجی موضوع در فرضی که آن واقعیت با حقیقت قضایی اثبات شده منطبق نبوده و او بیرون از محتویات و مستندات پرونده به آن واقعیت خارجی علم پیدا کرده است،^{۳۴} نداشته باشد. حقیقت قضایی و واقعیت مطلق، ممکن است در مواردی از یکدیگر فاصله داشته و برهم منطبق نباشند،^{۳۵} در چنین فرضی دادرس نمی‌تواند حکمی منطبق با معلومات شخصی خود صادر کرده و مستندات قانونی ارائه شده که محتویات طرف‌های دعوا در پرونده هستند را، نادیده بگیرد.^{۳۶} قلمرو صدور حکم توسط دادرس، صرفاً در محدوده ادله ابرازی از سوی طرف‌های پرونده و بررسی محتویات آن دلایل تعریف می‌شود. همچنان‌که که از عنوان «ادله اثبات» برمی‌آید، حیطه کارآمدی این دلایل، مربوط به مقام اثبات و کشف حقیقتی است که دلایل مطرح شده در متن پرونده، به آن حقیقت اشاره داشته و مقام ثبوت و واقعیت خارجی موضوع که قاضی ممکن است به آن علم شخصی پیدا کند، ارتباطی به مقام اثبات و رسیدگی قضایی به دلایل موجود در پرونده ندارد. در همین رابطه بیان شده است: «اگرچه علم ادعایی برای خود دادرس در حیطه وظایف فردی و عبادی حجت باشد، ولی بر شارع لازم نیست که آن را به عنوان علم کاشف بپذیرد و در سرنوشت مردم و نظام عمومی مداخل بداند»،^{۳۷} بنابراین باتوجه به حجیت علم دادرس برای شخص او از لحاظ درونی و عدم صلاحیت او در صدور حکم براساس علم شخصی در جایگاه قضاوت، پرونده را به دادرس دیگری که در آن موضوع علم ندارد، ارجاع می‌دهد.^{۳۸}

۴. موضوعیت ادله در اثبات ارتباط نامشروع

از مطالب پیش گفته، عدم اعتبار کامل علم دادرس به عنوان دلیلی مستقل در اثبات دعاوی دانسته شد. با این وجود، حتی برفرض پذیرش اعتبار علم دادرس در برخی دعاوی، این دلیل ادعایی در اثبات روابط نامشروع و جرایم منافی با عفت به صورت خاص، کارایی نخواهد داشت. ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت را ممنوع دانسته و پرسش از هیچ فردی را در این خصوص مجاز نمی‌داند. قانونگذار، یک حکم فراگیر نسبت به جرایم منافی با عفت ارائه داده و صرفاً در ادامه ماده، چهار مورد خاص را از عمومیت آن خارج می‌کند. عدم تمایل قانونگذار نسبت به اثبات رابطه نامشروع، از تبصره یک این ماده که بیان می‌دارد: «اگر متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی او را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند»، به خوبی مشخص می‌شود. ممنوعیت تحقیق، در پرتو آموزه‌های حقوق کیفری اسلام مبنی بر لزوم بزه‌پوشی و منع اشاعه فحشاء برقرار شده است.^{۳۹} رویه معمول در شریعت اسلامی بر پوشاندن جریان روابط نامشروع و عدم تمایل به آگاهی از گذشته اشخاص است.^{۴۰} دشواری قضایی در اثبات رابطه نامشروع در دادگاه و شرایط ویژه مستندات آن، مویدی بر نگاه سخت‌گیرانه شارع و قانونگذار در این دسته از جرایم و موضوعیت ادله اثبات در آن‌ها می‌باشد، چراکه دادرس در مواجهه با این دعاوی،

۳۲. عاملی، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، ۳۸۴/۱۳.

۳۳. سبحانی، نظام القضاء و الشهادة في الشريعة الاسلامی الغراء، ۱۹۸/۱.

۳۴. شمس، ادله اثبات دعوا، ۶۰.

۳۵. صدرزاده افشار، ادله اثبات دعوا در حقوق ایران، ۱۴.

۳۶. هاشمی شاهرودی، بایسته‌های فقه جزا، ۹.

۳۷. خامنه‌ای، علم قاضی، ۶۲.

۳۸. جوادی آملی، خمس رسائل، ۸۵؛ سبحانی، نظام القضاء و الشهادة في الشريعة الاسلامی الغراء، ۲۰۴/۱؛ شمس، ادله اثبات دعوا، ۶۲؛ آشوری، آیین دادرسی

کیفری، ۳۲۹/۲.

۳۹. خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۲۶.

۴۰. سبحانی، نظام القضاء و الشهادة في الشريعة الاسلامی الغراء، ۲۱۳/۱.

ملزم به ترتیب اثر به دلایل ویژه‌ای است که به صورت مشخص در متن قانون آمده است. وصف موضوعی دلیل به دادرس اجازه نمی‌دهد که در بررسی دعوی، از حیطه اثباتی دلیل تعیین شده برای او و ویژگی‌های خاص آن، خارج شده و فراتر از آن به دنبال راه‌های دیگری باشد. دادرس نمی‌تواند برخلاف تشریفاتی که به حکم قانون برای اثبات امری ضروری است، به علم خود استناد کند.^{۴۱} دلیل موضوعی، دلیلی است که برای اثبات قضیه دعوا به کار می‌رود، بنابراین مدعی حق باید ثابت کند که واقعه مورد ادعای او، در عالم خارج اتفاق افتاده است تا دادرس بتواند حکم آن را بار نماید. ارائه دلایل موضوعی از تکالیف اصحاب دعوا است و دادرس در آن نقش انفعالی دارد.^{۴۲} این موضوعیت از نوع بیان ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی نیز مشخص می‌شود. این ماده می‌گوید: «نصاب شهادت در کلیه جرایم، دو شاهد مرد است، مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد». در این ماده، کلیه جرایم نسبت به شهادت‌پذیری، یک حکم عمومی دارند، درحالی که کارایی شهادت در جرایم منافی عفت، منوط به داشتن عددی خاص شده است و در این مسئله تفاوتی ندارد که مجازات رابطه نامشروع، رجم یا قتل یا شلاق باشد.^{۴۳} همچنین گفته شده است: «شهادت باید خالی از هرگونه ابهام باشد، یعنی شهود باید آمیزش جنسی را آشکارا دیده باشند که چنین حالتی عادتاً دشوار است».^{۴۴} همین شیوه بیان در مورد اقرار، در ماده ۱۷۲ قانون یادشده وجود دارد. در این ماده، یک‌بار اقرار برای اثبات تمامی جرایم کافی دانسته شده است، درحالی که در بند الف آن، اقرارپذیری جرایم منافی با عفت، منوط به تکرار چهار مرتبه شده است. اعتبار این عدد مشخص، دیدگاهی مشهور میان فقهای امامیه است.^{۴۵} به نظر می‌رسد در روابط نامشروع، شهادت و اقرار، تنها راه‌های موجود برای اثبات آن بوده و علم شخصی دادرس کارایی نداشته باشد.^{۴۶} یکی از فقهای معاصر بیان می‌دارد که در اثبات جرایمی که مجازات آن‌ها حدود الهی است، تنها شهادت شهود و اقرار توانایی اثباتی داشته و صرفاً با اقامه این دو دلیل، حد جاری می‌شود و استناد به علم شخصی کارایی ندارد. در واقع قاضی در این جرایم صلاحیت اقامه دعوا و قضاوت بر اساس علم خود را ندارد.^{۴۷} در جرایم منافی با عفت، اتیان چهار مرتبه اقرار و وجود چهار نفر شاهد در نفوذ حکم شارع موضوعیت دارد، بنابراین عمل قاضی بر اساس علم شخصی خود که از قرینه‌هایی خارج از این ادله موضوعی به دست آمده است، جایز نمی‌باشد.^{۴۸} در واقع در مواردی که قانونگذار در مقام احصاء ادله اثباتی بوده و به علم دادرس اشاره‌ای نکرده است، این علم دلیلیت نخواهد داشت.^{۴۹} بنابراین اگر دلایل اثبات جرمی در قانون به شیوه حصر بیان شده باشد و علم دادرس در میان موارد مذکور نباشد، در چنین جرمی مانند زنا، دادرس نمی‌تواند به علم خود مراجعه کند.^{۵۰} در این مورد بیان شده است: «قلمرو علم دادرس محدود و مقید است. در موضوعاتی که اثبات آن‌ها با دلایل مشخص و تحت شرایط خاصی صورت می‌گیرد، دادرس نمی‌تواند به علم خود عمل کند، زیرا اگر دادرس چنین حقی داشته باشد، وجود شرط چهار مرتبه اقرار و یا چهار شهادت در اثبات رابطه نامشروع زنا بی‌معنی خواهد بود، چراکه ممکن است با یک‌بار اقرار هم علم شخصی برای دادرس حاصل شود».^{۵۱} یکی از فقها در این رابطه بیان می‌کند که در جرمی مانند زنا، ممکن است که قبل از تکمیل عدد لازم در اتیان اقرار یا شهود، برای قاضی به تحقق عنوان مجرمانه علم حاصل شود، درحالی که با وجود این علم، مجازاتی برای مجرم ثابت نشده و اثری بر آن مترتب نمی‌شود و تنها پس از تکمیل عدد لازم در اقرار یا شهود، صدور حکم و اجرای حد جایز خواهد بود.^{۵۲} در روابط نامشروع، دادرس فقط در صورت در اختیار داشتن ادله

۴۱. کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات، ۵۳/۱.

۴۲. کریمی، ادله اثبات دعوا، ۳۵.

۴۳. فتحی و دیگران، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، ۴۸۰.

۴۴. نوبهار، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی، ۱۴۴.

۴۵. گرجی، حدود و تعزیرات و قصاص، ۱۷.

۴۶. گلدوزیان، حقوق کیفری تطبیقی، ۶۶/۱.

۴۷. سبحانی، نظام القضاء و الشهادة فی الشریعة الاسلامی الغراء، ۲۱۸/۱.

۴۸. موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ۲۴۸/۱.

۴۹. دیانی، ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، ۲۳۹.

۵۰. گلدوزیان، ادله اثبات دعوا، ۳۸۲.

۵۱. بهرامی، ادله اثبات، ۳۲۰.

۵۲. طباطبایی حکیم، مسائل معاصره فی فقه القضاء، ۲۹.

معتبر و منصوص و رعایت شرایط پیش‌بینی شده از سوی قانونگذار برای آن ادله، می‌تواند به صدور حکم محکومیت مبادرت ورزد.^{۵۳} یکی از حقوقدانان پس از بیان اعتبار علم دادرس در دعاوی خصوصی، می‌گوید: «در مورد جرایم مستلزم حد، الزاماً دلایل قانونی مطرح هستند. دادگاه فقط در جلسه محاکمه و به موجب دلایل قانونی معین که با رعایت موازین قانونی تحصیل شده‌اند، می‌تواند به اتخاذ تصمیم مبادرت نماید».^{۵۴} آن دسته از جرایمی که دلایل اثبات آن‌ها در مواد قانونی به صورت مشخص شمرده شده و در آن‌ها از علم دادرس، نامی برده نشده است، نمی‌توان با استناد به علم شخصی اثبات کرد. در سایر جرایم، پذیرش علم دادرس به عنوان یکی از راه‌های اثبات دعاوی، مفید است.^{۵۵}

۵. حسی بودن علم دادرس

پس از پذیرش موضوعیت ادله در اثبات روابط نامشروع و تبیین عدم کارایی علم دادرس به عنوان دلیل ادعایی در حیطه آن جرایم، در این قسمت بیان می‌شود که حتی در صورت پذیرش طریقت ادله اثبات دعاوی و قابلیت اعتماد به علم شخصی در اثبات جرایم منافی با عفت، نمی‌توان به علمی که از مشاهده فیلم و عکس به دست می‌آید، استناد کرد. این مسئله مربوط به کیفیت آگاهی و وجود تفصیل در نوع اطلاعی است که برای دادرس حاصل می‌شود. علمی مورد اعتماد و استناد است که از راه دریافت حسی و به صورت مستقیم و بی‌واسطه به دست آمده باشد. تصاویر ضبطی به دلیل امکان همانندسازی و ایجاد محتوای ساختگی و جعلی توسط ابزارهای پیشرفته هوش مصنوعی و صنعت دیپ‌فیک، نمی‌توانند به مانند مشاهده مستقیم و حسی برای بیننده ایجاد علم داشته باشند و با توجه به گسترش فناوری‌های تصویری و اینترنتی پیش‌گفته که در اختیار همگان نیز می‌باشد، احتمال همانندسازی و ساختگی بودن در مورد صحت و اصالت تصاویر ضبطی وجود دارد. در این مورد آمده است که توانایی تکنولوژی دیپ‌فیک در تولید و ساختن فیلم غیر واقعی به اندازه‌ای است که موجب شده است که برای طرح‌ها و اهداف بزه‌کارانه نیز مورد استفاده قرار گیرد.^{۵۶} و براساس این وضعیت و با وجود این احتمالات فراگیر، میان علم حسی و حدسی تفاوت وجود خواهد داشت. در مورد این تفصیل بیان شده است که اگر جواز قضاوت دادرس براساس علم شخصی را بپذیریم، مقصود علم حسی خواهد بود.^{۵۷} در بیان دیگری گفته شده است که آگاهی دادرس نسبت به موضوعی، گاهی از مبادی حسی و شخصی او سرچشمه می‌گیرد و گاهی از مجموع قرینه‌ها و نشانه‌هایی حدسی که برای آن موضوع وجود دارد، ایجاد می‌شود. در مقام تحلیل، علمی که حاصل از مبادی حسی دادرس بوده، معتبر می‌باشد.^{۵۸} شهید ثانی علم خاصی که به آن اطلاع جزمی می‌گوید را برای قضاوت لازم می‌داند.^{۵۹} در توضیح عبارت این فقیه گفته شده است که مقصود او از علم خاص، علمی است که مستند به مبادی حسی باشد.^{۶۰} فقیهی پس از استناد به روایت صحیحی از امام صادق (ع) که در آن یکی از انبیای الهی بیان می‌دارد که خدایا چگونه بدون آن که موضوعی را دیده باشم یا شاهد آن بوده باشم، در مورد آن قضاوت کنم،^{۶۱} اشاره می‌کند که این روایت بر جواز قضاوت دادرس براساس مشاهده عینی او که علمی حسی است، دلالت داشته و به این صورت، میان اعتبار علم حسی و عدم اعتبار اطلاع حدسی تفصیل قائل می‌شود.^{۶۲} فقیه دیگری به تحلیل این روایت پرداخته و بیان می‌کند که از نوع عبارت آن پیامبری که در حدیث به او اشاره شده است، فهمیده می‌شود که اعتبار قضاوت براساس علم شخصی، موضوعی پذیرفته شده است، زیرا اگر اشکالی در اعتبار آن وجود داشت، باید از طرف شارع بر آن ردعی وارد می‌شد، در حالی که چنین ردعی وارد نشده است. بنابراین سکوت شارع در مقابل کلام نبی خود، امضای آن سخن می‌باشد. همچنین از کلام آن نبی در مورد عدم مشاهده موضوع فهمیده می‌شود که علمی که حاصل از مبادی حسی و بدون واسطه باشد، دارای اعتبار و امضای شارع خواهد بود، اما اطلاع حدسی از این اعتبار بهره‌ای نخواهد

۵۳. آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۳۲۹/۲.

۵۴. گلدوزیان، حقوق کیفری تطبیقی، ۶۶/۱.

۵۵. میرمحمدصادقی، جرایم علیه اشخاص، ۴۰۱-۴۰۰.

۵۶. شیرازی، دیپ‌فیک یا همانند سازی صوتی یا تصویری غیر واقعی در حقوق کیفری، ۱۴۷.

۵۷. موسوی اردبیلی، فقه القضاء، ۳۰۲/۱.

۵۸. مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، ۴۴۴.

۵۹. عاملی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۸۳/۳.

۶۰. میرمحمدصادقی، جرایم علیه اشخاص، ۳۹۸.

۶۱. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۲۲۹/۲۷.

۶۲. حسینی حائری، القضاء فی الفقه الاسلامی، ۲۴۳.

داشت.^{۶۳} همچنین بیان شده است که منظور از علم حسی، مشاهده یا استماع شخصی می‌باشد، یعنی دادرس به صورت حضوری و بدون واسطه، اطلاعات موضوعی را دریافت کند.^{۶۴}

۶. نقد رای شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور

باتوجه به مطالبی که در قسمت‌های پیشین گفته شد، مشخص می‌شود که فیلم و عکسی که به عنوان محتوای دو عدد سی دی موجود در پرونده، مستند رای شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور قرار گرفته و سبب نقض دادنامه دادگاه بدوی مبنی بر برائت متهمین شده است، توان اثباتی رابطه نامشروع را ندارد. آنچه از مشاهده فیلم و عکس به عنوان داده‌های الکترونیکی به دست می‌آید، صرفاً یک علم حدسی و اطلاع احتمالی می‌باشد که به دلیل شبهه‌های متعددی که در مورد صحت و واقعیت محتوای آن قابل طرح و فرض است، از حیث اعتبار خارج بوده و برای اثبات مدعای خود، کارایی قضایی و محکمه‌پسند نخواهد داشت. ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی به همین مطلب اشاره می‌کند: «در جرایم موجب حد به استثناء محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود». نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۳/۳۲۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۰، در توضیح این ماده بیان می‌دارد: «ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در مقام بیان اعمال قاعده در آن در خصوص جرایم موجب حد است و به جز موارد استثناء شده در این ماده، در سایر جرایم موجب حد به محض ایجاد تردید و شبهه، بدون نیاز به تحصیل دلیل حد منتفی می‌شود». قاعده اشاره شده در نظریه مشورتی، برگرفته از حدیث نبوی است که بیان می‌دارد: «حدود (کیفرها) را با وجود شبهه‌ها دفع کنید»^{۶۵} فقیهی اشاره می‌کند که نص این روایت، متواتر است^{۶۶} و فقیه دیگری، مضمون آن را مورد اجماع فقها می‌داند.^{۶۷} مفاد قاعده آن است که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به متهم و یا مسئولیت و استحقاق کیفر برای او به جهتی مشکوک و مردد باشد، جرم و مجازات منتفی خواهد بود.^{۶۸} محتوای فیلم و عکس به دلیل آن که داده‌های الکترونیکی به صورت کامل قابل کنترل نبوده و امکان و احتمال تغییر مفاد آن داده‌ها وجود دارد، از لحاظ اصالت تصویر و صحت انتساب آن به اشخاص داخل فیلم و عکس، مشکوک بوده و دارای شبهه می‌باشد. یکی از راه‌های ایجاد تغییر در محتوای داده‌های الکترونیکی، استفاده از دیپ‌فیک است. دیپ‌فیک، نرم‌افزاری است که با بهره‌گیری از فناوری هوش مصنوعی این امکان را به کاربر می‌دهد که از صدا و تصویر واقعی، صدا و تصویر غیر واقعی بسازد. به دلیل پیچیدگی‌های فناوری دیپ‌فیک، امکان تشخیص آن از صدا و تصویر واقعی بسیار دشوار و حتی غیر ممکن بوده و باورپذیری محتوای آن بسیار بالا می‌باشد.^{۶۹} در پرونده مورد مطالعه، باتوجه به آن که خانم ت. ک. در پاسخ به پرسش دادگاه در مورد عکس‌های موجود که توسط شاکی برای اثبات ارتباط نامشروع او ارائه شده بود، اشاره داشته است که سر و صورت عکس‌ها متعلق به او بوده ولی بدن آن متعلق به او نیست و برای او توطئه ساخته‌اند، قطعاً در مورد اصالت تصاویر شبهه وجود داشته و نمی‌توان به محتوای آن اعتماد و استناد کرد. در واقع با وجود اظهارات متهم، برای بیننده تصاویر، احتمال ایجاد تغییر در محتوای عکس و فیلم داده می‌شود و با احراز چنین شبهه‌ای، اثبات رابطه نامشروع و کیفر برای آن مشکل خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد که رای دادگاه بدوی مبنی بر تبرئه متهمین از اتهام زنا به دلیل فقدان دلیل، رای صحیحی بوده است و نقض آن توسط شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور، مورد خدشه باشد.

نتایج

۱. کارآمدی فیلم و عکس به عنوان داده‌های الکترونیکی به منظور استناد در پرونده‌های قضایی و رای دادگاه، منوط به اعتبار علم شخصی دادرس به عنوان یکی از ادله اثبات دعاوی است، در حالی که علم دادرس از چنین اعتباری برخوردار نمی‌باشد.

۶۳. مقتدایی، مفتاح الهدایه فی شرح تحریر الوسیله، ۱۹۲.

۶۴. زارعی سبزواری، القواعد الفقهیه فی فقه الامامیه، ۱۱۷/۷.

۶۵. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۷۴/۴؛ حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۴۷/۲۸.

۶۶. طباطبایی کربلایی، ریاض المسائل، ۴۹۵/۲.

۶۷. ابن ادریس، موسوعه ابن ادریس الحلّی، ۱۷۱/۱۳.

۶۸. هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ۲۲۵/۶.

۶۹. شیر، دیپ‌فیک یا همانند سازی صوتی یا تصویری غیر واقعی در حقوق کیفری، ۱۴۵ و ۱۵۴.

۲. برفرض پذیرش اعتبار علم دادرس به عنوان دلیلی مستقل، باتوجه به موضوعیت ادله در اثبات روابط نامشروع، این دلیل ادعایی در اثبات جرایم منافی با عفت به صورت خاص، کارایی نخواهد داشت و نقش دادرس در تحصیل دلیل، منفعل خواهد بود.

۳. عدم اعتبار فیلم و عکس در اثبات روابط نامشروع، حتی در صورت اعتقاد به طریقت ادله در جرایم منافی با عفت و نقش فعال دادرس نیز ثابت خواهد بود. آن علمی که در اثبات جرایم معتبر شناخته می شود، علم حسی، بدون واسطه و حضوری می باشد، درحالی که اطلاعاتی که از مشاهده فیلم و عکس به دست می آید، علمی حدسی و باواسطه بوده و چنین اطلاعی قابلیت استنادپذیری نخواهد داشت.

۴. رای شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور که به محتوای فیلم و عکسی که توسط شاکی به دادگاه ارائه شده، استناد کرده است، مورد خدشه بوده و باتوجه به عدم اعتبار و کارایی فیلم و عکس در اثبات روابط نامشروع، رای دادگاه بدوی مبنی بر تبرئه متهمین از اتهام زنا به سبب نبود دلیل معتبر صحیح می باشد.

منابع

- آشتیانی، محمدحسن بن جعفر. کتاب القضاء. قم: زهیر. ۱۳۸۳.
- ابن ادریس، محمد بن احمد. موسوعه ابن ادریس الحلی. قم: دلیل ما. ۱۳۸۷.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر. المذهب. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۰۶.
- ابن حمزه، محمد بن علی. الوسیله الی نیل الفضیله. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی. ۱۴۰۸.
- ابن زهره، حمزه بن علی. غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع. قم: موسسه امام صادق (ع). ۱۴۱۷.
- ابن سعید، یحیی بن احمد. الجامع للشرائع. قم: موسسه سیدالشهدا. ۱۴۰۵.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم. الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه امام علی (ع). بی تا.
- الآبی، حسن بن ابیطالب. کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۰۸.
- انصاری، مرتضی. القضاء و الشهادات. قم: کنگره شیخ اعظم انصاری. ۱۴۱۵.
- بهرامی، بهرام. ادله اثبات. تهران: نگاه بینه. ۱۳۸۷.
- جوادی آملی، عبدالله. خمس رسائل. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۳۶۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش. ۱۳۹۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. دائره المعارف علوم اسلامی قضایی. تهران: گنج دانش. ۱۳۹۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. «علم آزاد در گردش ادله اثبات دعوا در حقوق اسلام»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۲۱. ۱۳۵۸.
- حرعاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسه آل البیت. ۱۴۱۶.
- حسینی حائری، کاظم. القضاء فی الفقه الاسلامی. قم: مجمع فکر اسلامی. ۱۴۲۳.
- خالقی، علی. نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش. ۱۳۹۴.
- خامنه ای، سیدمحمد. علم قاضی. تهران: تک. ۱۳۹۰.
- خوانساری، سید احمد. جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. تهران: صدوق. ۱۳۵۵.
- خویی، سید ابوالقاسم. موسوعه الامام الخویی. قم: موسسه احیاء آثار امام خویی. ۱۴۱۸.
- دیانی، عبدالرسول. ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری. تهران: تدریس. ۱۳۸۵.
- زارعی سبزواری، عبدالعلی. القواعد الفقهیه فی فقه الامامیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۳۰.
- سبحانی، جعفر. نظام القضاء و الشهاده فی الشریعه الاسلامی الغراء. قم: موسسه امام صادق (ع). ۱۴۱۸.
- شمس، عبدالله. ادله اثبات دعوا. تهران: دراک. ۱۳۹۵.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. الخلاف. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۰۷.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الامامیه. قم: مرتضوی. ۱۳۸۷.

- شیری، عباس. «دپ فیک یا همانندسازی صوتی یا تصویری غیر واقعی در حقوق کیفری»، تحقیقات حقوقی. شماره ۹۹. ۱۴۰۱.
- صدرزاده افشار، محسن. ادله اثبات دعوا در حقوق ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۸۵.
- صدوق، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۳۶۳.
- طباطبایی حکیم، محمدسعید. مسائل معاصره فی فقه القضاء. نجف: دارالهلل. ۱۴۲۷.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمد. ریاض المسائل. قم: موسسه آل البیت. ۱۴۰۴.
- عاملی، زین الدین بن علی. الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: داوری. ۱۴۱۰.
- عاملی، زین الدین بن علی. مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم: موسسه معارف اسلامی. ۱۴۱۳.
- عراقی، ضیاء الدین. کتاب القضاء. قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع). ۱۳۷۹.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. قواعد الاحکام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۳۷۴.
- علم الهدی، سید مرتضی. الانتصار. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۵.
- فتحی، حجت الله و حسنی، محمد. شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی. قم: دائرة المعارف اسلامی. ۱۳۹۹.
- کاتوزیان، ناصر. اثبات و دلیل اثبات. تهران: میزان. ۱۳۹۲.
- کریمی، عباس. ادله اثبات دعوا. تهران: میزان. ۱۳۹۶.
- گرجی، ابوالقاسم. حدود و تعزیرات و قصاص. تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۸۱.
- گلدوزیان، ایرج. حقوق کیفری تطبیقی. تهران: جهاد دانشگاهی. ۱۳۷۴.
- گلدوزیان، ایرج. ادله اثبات دعوا. تهران: میزان. ۱۳۹۳.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان. ۱۴۰۸.
- مقتدایی، مرتضی. مفتاح الهدایه فی شرح تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر. انوار الفقاهه. قم: مدرسه امام علی (ع). ۱۳۷۷.
- میر محمدصادقی، حسین. جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان. ۱۳۸۶.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم. فقه القضاء. قم: جامعه المفید. ۱۳۸۱.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم. فقه الحدود و التعزیرات. قم: جامعه المفید. ۱۴۲۷.
- موسوی خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۹۲.
- نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی. بی تا.
- نوبهار، رحیم. اهداف مجازات ها در جرایم جنسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۸۹.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. بایسته های فقه جزا. تهران: میزان. ۱۳۷۸.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام). قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت. ۱۳۸۲.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. قرائات فقهیه معاصره. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت. ۱۴۲۳.